



دکتر مجتبیٰ سرکندی

نام‌های جاودان



مرا حق از می‌عشق آفریده‌ست همان عشقم اگر مرگم بساید

که در حال شناخت آن می‌باشیم و یا آنها را شناخته‌ایم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

شاید تعجب‌انگیز باشد که بر حسب فرهنگ لغات اپونیم، نام ۱۳۵۰۰ شخص به ابزارها، کشفیات و روشهای علمی داده شده است، اما بایستی اذعان کرد که این نوع نامگذاری ساده‌ترین و متنوع‌ترین ترکیبی است که می‌توان ساخت. اپونیم‌ها عاری از توصیف دقیق یک مفهوم می‌باشند به همین دلیل برای مفهومی که حقایق زیادی درباره آن نمی‌دانیم و فقط قصد تمایز آن از موارد مشابه را داریم، میتوان از آنها به خوبی استفاده کرد و بالاخره این که اپونیم‌ها، نام سازندگان خود را جاودانه می‌سازند و شاید به همین دلیل بوده که نام Percival Pott جراح انگلیسی (۱۷۸۸ - ۱۷۱۳) را بر بیماریهای گوناگونی مثل: بیماری Pott، بیماری کاذب Pott، فلج Pott، شکستگی Pott، قانقاریای Pott و تومور Pott قرار داده‌اند.

اپونیم‌ها را با روشهای گوناگونی طبقه‌بندی

انسان همواره خواستار و طالب جاودانگی است، وی مدام بدین اندیشه بسر می‌برد و حتی این تخیل را به کوه، دشت، صحرا و بیابان نیز عرضه می‌دارد. آدمی قصد دارد تا علاوه بر خود، زادگاهش، دوستانش، علمش و ... را جاودانه سازد.

اپونیم (eponym) نمادی از این جاودانگی در علوم می‌باشد. اکنون شاید چنین پرسشی پیش آید که اپونیم چیست و چگونه آدمی را جاودانه می‌سازد.

موارد متعددی وجود دارند که با اسم یک شخص معین شده‌اند مثل «ماهنامه دارویی رازی» یا «تالار ابن سینا» و ... در فرهنگ زبان علمی به اینگونه موارد اپونیم گویند، یا به عبارت دیگر اپونیم ترکیبی از چند کلمه و یک نام خاص، معمولاً اسم یک شخص، می‌باشد.

در زبان عامیانه شاید بتوان برای یک معنی، مترادف‌های زیادی بکار برد و یا از یک کلمه معانی گوناگونی استخراج کرد اما زبان علمی صراحت و روشنی می‌طلبد و بهمین دلیل نامگذاری پدیده‌هایی

می‌گردد:

الف - بیماری Lyme که شکلی از آرتریت می‌باشد و اولین بار به سال ۱۹۷۵ در شهر لایم واقع در ایالت Connecticut (مرکز آن شهر Hart ford است) دیده شده است.

ب - بیماری Legionnaire که نوعی اپیدمی پنومونی می‌باشد و اولین بار در اعضاء لژیون آمریکا دیده‌اند.



۳- اپونیم‌هایی که به منظور تجلیل از

دانشمندان ساخته شده‌اند - در این باره می‌توان موارد متعددی را نشان داد. لیکن مطالعات مقایسه‌ای نشان می‌دهند که گیاه شناسان و باکتریولوژیست‌ها بترتیب مقام‌های اول و دوم را احراز کرده‌اند. تقریباً تمام گیاهان با اسامی دانشمندان این رشته آذین گشته‌اند. مثالهای دیگر در ذیل آمده‌اند:

الف - باکتریولوژی: می‌توان از Rickettsia Prowazekii یاد کرد. این میکروارگانیسم ایجاد تیفوس اپیدمی می‌کند و نام آن را از اسم Howard Taylor Ricketts پاتولوژیست آمریکایی (۱۸۱۷-۱۹۱۰) گرفته‌اند.

ب - آناتومی: کپسول Bowman در کلیه‌ها که Sir William Bowman آناتومیست، فیزیولوژیست و چشم پزشک انگلیسی (۱۸۱۶-۱۸۹۲) آن را شرح داده است.

ج - خون‌شناسی: تست Quick که توسط خون‌شناس معروف آمریکایی Armand James Quick (متولد ۱۸۹۴) برای اندازه‌گیری زمان پروترومبین ابداع شد و یا می‌توان از سندرم اختلال گلبول سفید مادرزادی Chédiak-Higashi یاد کرد که

کرده‌اند مثلاً در دستور زبان آنها را به ۸ گروه طبقه‌بندی می‌کنند اما به طور کلی میتوان آنها را در سه دسته خاص جای داد:

۱- اپونیم‌هایی که بر حسب اشاره به موردی خاص ساخته شده‌اند - در این زمینه به دو مورد اشاره می‌کنیم:

الف - بیماری Hartnup، این بیماری نوعی نقص اتوزومال در انتقال کلیوی و روده‌ای اسیدهای آمینه خنثی و معینی می‌باشد که بر حسب اسم بیمار یعنی Edward Hartnup که یک فرد انگلیسی بوده، نامگذاری شده است.

ب - گروه خونی Kidd که نوعی بیماری گروه خونی می‌باشد و شامل دو نوع آنتی ژن $jk(a)$, $jk(b)$ می‌باشد، نامگذاری آن بر حسب اسم بیماری که تولیدکننده آنتی سرم می‌باشد، انجام گشته است.

۲- اپونیم‌هایی که بر حسب وقایع تاریخی وجود آمده‌اند - در این زمینه نیز دو مورد بیان

Moises chédiak یک محقق فرانسوی بود و همزمان با ototaka Higashi ژاپنی، این سندرم را تشریح کرد. ۵ - اورولوژی: تست Harison برای تأیید وجود بیلی روبین در ادرار توسط Harold Edward Harison دکتر آمریکایی (متولد ۱۹۰۸) طراحی گشت.

در حال حاضر دانشمندان بسیاری علیه اپونیم‌ها جبهه می‌گیرند و هرکدام از آنها دلایل خاص خود را دارا می‌باشند.

۱- عدم وجود نام دانشمندان طراز اول:

بهترین مثال در این مورد William Harvey است، گرچه وی با دقت قابل تحسینی گردش خون را تشریح کرد، اما در هیچ جا به صورت اپونیم، از وی ذکری نرفته است. در حالی که کم نیستند افرادی که اسمشان به فراوانی روی میکروب‌ها، گیاهان و بیماری‌ها گذاشته شده و مقام و منزلت Harvey را کسب نکرده‌اند.

۲- عدم صحت تاریخی نامگذاری:

در این زمینه می‌توان به نوعی اسکوربوت اطفال به نام بیماری Barlow اشاره کرد که توسط Thomas Barlow دکتر انگلیسی (۱۸۴۵-۱۹۴۵) در سال ۱۸۸۳ شرح داده شد، اما بیان دقیق بیماری در سالهای اول ۱۶۰۰ توسط Francis Glisson بوده و نامی از پزشک اخیر به بیان نیامده است.

۳- مغشوش کردن زبان علمی:

وجود اسامی مترادف، صراحت و روشنی زبان علمی را به خطر می‌اندازد بنابراین پرهیز از این نکات با وسواس خاصی انجام می‌گیرد. اما گاهی به

اپونیم‌هایی برخورد می‌شود که با چند اپونیم دیگر مترادف است مثلاً weil، نوعی بیماری عفونی منتقل شده از موش به انسان، دارای نامهای دیگر چون: بیماری Fiedler، بیماری Landouzy، بیماری Mathieu و بیماری Vasilev می‌باشد.

از سوی دیگر گاهی به اپونیم‌هایی برخورد می‌کنیم که به تنهایی حاوی چند بیماری هستند، مانند بیماری Paget و سندرم Albright. در مورد اول با اضافه کردن محل بیماری آن را از انواع دیگر مشخص می‌کنند مثل بیماری Paget در: استخوان، سینه و فرج.

در مورد سندرم Albright با ذکر عدد درصد علاج موضوع برآمده‌اند: Albright syndrome، Albright syndrome₂ و...

۴- عدم جامعیت نامگذاری:

هرچه از پیشرفت علم می‌گذرد، بسیاری از اپونیم‌ها قدیمی می‌شوند و جنبه‌های عمیق‌تری از آنها شناخته می‌گردد بعنوان مثال می‌توان به بیماری Tay-Sachs اشاره کرد. آنچه سابقاً درباره آن می‌دانستند، چنین بود: در این بیماری طفل پس از چند ماه سلامت، علائم کوری و کندذهنی پیدا نموده و پس از چندی فوت می‌کند و در افتالموسکیپی ته چشم لکه قرمز آلبالوئی رنگی به چشم می‌خورد. اما اکنون می‌دانند که بیماری اختلالات گوناگون بیوشیمیایی را در بر می‌گیرد.

در حال حاضر مجامع بین‌المللی وضع اپونیم‌ها را در انحصار خود گرفته‌اند و تا مجبور نباشند به ساختن آنها نمی‌پردازند و مطبوعات علمی در مواردی که اسامی توصیفی و اپونیم‌ها از شهرت یکسانی برخوردار باشند، نامهای توصیفی را ترجیح می‌دهند.